

بررسی موانع درونی و بیرونی وحدت امت اسلامی

بررسی موانع درونی و بیرونی وحدت امت اسلامی

احد داوری^[1]، حمیده شفیعی^[2] و حکیمه یاری^[3]

چکیده

در برهه‌ای کنونی، نظام سرمایه‌داری غرب با هدف قرار دادن پایه‌های اسلام بیش‌ازپیش در تلاش است تا سیادت خود را در جامعه‌ای جهانی تثبیت نماید یکی از راه‌های رسیدن به چنین طرح و نقشه‌ای ایجاد تفرقه، اختلاف و دشمنی میان مسلمانان است بدین‌جهت وحدت امت اسلامی که مایه قدرت و شوکت آنان و همچون خاری در چشم مستکبران جهان است بدون مانع نخواهد بود و واکنش سخت بدخواهان اسلام و را با برنامه‌ریزی دقیق و طولانی به همراه خواهد داشت، هرچند که نمی‌توان در تحقق این اندیشه‌ای شوم نقش برخی عوامل موجود در درون جامعه‌ای اسلامی را نادیده گرفت که دانسته یا نادانسته با آنان هم‌نوا شده‌اند. شناخت این موانع و تلاش در جهت رفع آن‌ها از سوی عالمان و اندیشمندان مسلمان، امری بایسته و قطعی است که بی‌توجهی به آن، خسارت عظیمی بر پیکره امت اسلامی وارد خواهد ساخت. در این

پژوهش جهت تحقق این امر بنیادین، با تحلیل آیات و روایات، مهم‌ترین موانع درونی وحدت از قبیل فقدان رهبری صالح، ملی‌گرایی، تعصب‌های مذهبی قومی نژادی، جهل و ناآگاهی توده‌های مردم، تکفیر یکدیگر و موانع بیرونی آن مانند نامشخص گذاشتن مرزهای سیاسی، جنگ نرم، فرقه سازی و حمایت از فرقه‌های انحرافی و نفوذ منافقان در میان صفوف مسلمانان مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: وحدت، موانع درونی وحدت، موانع بیرونی وحدت، امت اسلامی، قرآن کریم.

مقدمه

اختلاف و تفرقه در میان هر قوم، ملت یا جامعه‌ای موجب استیلا و حاکمیت بیگانگان و تسلط و تفوق غیرخودی‌ها بر آن جامعه و ملت می‌شود. در طول تاریخ حیات بشریت، انسان‌ها با هر ایده و آیینی، در صورت اتحاد و هماهنگی توانسته‌اند اهداف و آمال خود را محقق سازند چنانچه علی بن ابیطالب علیه‌السلام در خطاب به یاران خود زمانی که خبر تسلط بسر بن اریطه را بر یمن شنیدند، فرمودند: وَ إِنْ نَبَّيْنا وَ اللّٰهَ لَأَطُنُّنَّ أَنْ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ سَيُدُّنَ الْوَنَّ مِنْكُمْ بِأَجْتِمَاعِهِمْ عَلٰى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ (نهج‌البلاغه، خ 25)؛ آن‌ها در یاری‌کردن باطل خود، وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرق‌قید!

تاریخ و تمدن مسلمانان حاکی و حامل دورانی طلایی است آن هنگام که در سایه‌ی عمل به فهم صحیح از قرآن در تمام ابعاد زندگی انسانی، مسلمانان سرآمد جهان‌نیان شدند آنان توانستند ابرقدرت‌هایی چون ایران و روم را در مقابل ندای حق‌طلبی اسلام به زانو درآورده و تسلیم خود کنند و گستره‌ی نفوذ علمی، معنوی و جغرافیایی‌شان را تا اندلس (اسپانیای کنونی) به پیش برند. در چنین شرایطی بود که عالمان برجسته‌ای نظیر ابن مالک در نحو، قرطبی در تفسیر، ابن رشد در فلسفه و... پرورش یافتند. چنانکه اندیشمندان غربی چون گوستا و لوبون، با اعتراف به برتری علمی جوامع مسلمان بر جوامع غربی طی چند قرن، می‌گویند: تقریباً حدود 5 الی 6 قرن، تنها کتاب‌های علمی که در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد؛ همان کتاب‌هایی بود که از زبان‌های عربی به لاتین ترجمه شده بود. (لوبون، بی‌تا، 77)

حال سؤال این است که چرا مسلمانان با آن پیشینه‌ی درخشان و سیادت بر جهان‌نیان اکنون با این همه مشکلات و معضلات در سطوح مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و... دست‌به‌گریبان‌اند. علت نفوذ و سیطره مستقیم و غیرمستقیم استکبار بر امت اسلامی چیست؟ بی‌شک یکی از عوامل اصلی این مشکلات و معضلات تفرقه‌افکنی‌های بیگانگان و تشتت در میان مسلمین است. رفع و دفع این تنازعات خانمان‌سوز در عصر حاضر از اهمیت بیشتری برخوردار است. چراکه امروزه انواع تفرقه‌افکنی‌ها و عوامل بیرونی و درونی آن در جهان اسلام، ما را به سوی درک این مصلحت سوق می‌دهد که حتی اگر اندیشه‌های ضد تقریبی داشته

یا به مبانی مذهبی سایر مسلمانان اعتقادی نداشته باشیم، از طرح مسائل تفرقه‌برانگیز منصرف شده و با تأکید بر وحدت به پایداری اسلام و جامعه اسلامی ببندیشیم. با اهتمام به این وظیفه‌ی دینی و اجتماعی است که می‌توانیم امت اسلامی را از جایگاه مناسب‌تری برخوردار سازیم و پشتوانه‌ی قوی برای عزت آن فراهم‌سازیم. (ر.ک: آقا نوری، 1387، 18)

مفهوم شناسی

«وحدت» در لغت از ریشه «وَحَدَّ» یگانه شدن و انفراد (ابن فارس، 1387، 1014؛ فیروزآبادی، 1430 ق، 1644) است و وقتی در باب افتعال به کار می‌رود به معنای «اتحاد» یکی شدن دو چیز موجود است. (طریحی، 1415 ق، 4/476) در ادبیات فارسی نیز، به معنای همبستگی، همگرایی، یکدلی، یگانگی، یک‌جهتی، موافقت، اجتماع و باهم بودن در یک امر است (معین، 1375، 4989) لذا می‌توان در اتحاد دو یا چند چیز، دو عنصر مهم را مطرح کرد: عنصر اول، حفظ خاصیت شخصی و عنصر دوم یکی شدن؛ بنا بر این هرگاه چند چیز، با حفظ خاصیت شخصی خود، با هم یکی شوند، اتحاد حاصل خواهد شد. (جوادی آملی، 1386، 15) با این توصیف می‌توان وحدت اسلامی را در رسیدن به نوعی یگانگی در منافع و اهداف و تقریب در باورهای دینی، از سوی کسانی که به‌رغم اجتهادات مختلف، مشترکات بسیاری دارند دانست. (آقا نوری، 1387، 18-19) وحدت و اتحاد بر دو گونه است، مطلوب و نامطلوب، اگر اتحاد و وحدت بر مدار اجرای حق نباشد، بر ضلالت و گمراهی خواهد بود و چنین اتحادی نمی‌تواند مقدس و مطلوب باشد. چراکه امری زیان‌بخش بوده و تقبیح شده است. (جوادی آملی، 1386، 21) علی بن ابیطالب (ع) در این باره می‌فرماید: مردم در آن روز (آینده) بر تفرقه و پراکندگی اتحاد می‌کنند و در وحدت و یگانگی پراکندگی دارند؛ گویا این مردم، پیشوایان قرآن‌اند و قرآن پیشوای آنان نیست. در این هنگام جز نامی از قرآن نزدشان باقی نماند و جز خطوط آن چیزی شناسند... (نهج‌البلاغه، خطبه 147)

مفهوم امت در اصل عبارت از گروهی است که وحدت نسبی داشته باشند و از باب توسعه بر اهل يك ملت اطلاق می‌گردد. (طیب، 1378، 2/229) اما با این وجود این دو مفاهیم «ملت» و «امت» با یکدیگر تفاوت‌های ظریفی دارند بدین گونه که مفهوم ملت نوظهور بوده و به عنوان عامل انسانی جامعه سیاسی و یکی از عناصر سه‌گانه تشکیل‌دهنده دولت-کشور در ارتباط با سرزمین معین معنا پیدا می‌کند؛ بنا بر این وجه افتراق این مفهوم با ملت از دو نظر است: نخست آنکه ملت، وابسته به سرزمینی مشخص است یعنی مفهومی درون‌مرزی دارد حال آنکه امت مفهومی است فرامرزی. امت پدیده‌ای است ناشی از یک عامل فرهنگی (دین) و مفهوم ملت حاصل چند عامل فرهنگی و محیطی است. (آشوری، 1389، 221) بنا بر این وحدت امت اسلامی منحصر و محدود به یک جغرافیای خاص نیست این وحدت حاصل تعامل و تفاهم بین مذاهب در کشورهای مختلف اسلامی است بدین معنا که مذاهب اسلامی در عین وجود اختلافات عقیدتی و مباحثه‌ی علمی نیکو در اختلافات در کنار یکدیگر زندگی برادرانه و مسالمت‌آمیز داشته باشند و همیشه در مقابل

جبهه‌ای ضد اسلام متحد بوده و در این امر شرکت فعال داشته باشند و به این معنا نیست که شریعت و قوانین مذاهب هم یکی شود.

بررسی موانع درونی و بیرونی وحدت امت اسلامی

وحدت مطلوب امت اسلامی به طرق مختلف دچار خدشه و آسیب گشته است که در یک بررسی کلی و اجمالی می‌توان آن‌ها را در دو گروه جای داد، درونی و بیرونی. اکنون به قدر وسع این نوشتار به برخی از موانع درونی و بیرونی وحدت اسلامی، اشاره می‌کنیم:

موانع درونی وحدت امت اسلامی

موانع درونی، آن دسته از گفتارها، کردارها و اقدامات و مواضعی است که کلی یا جزئی با اصول ثابت ایمان و شالوده‌ها و کلیات شرعی و اهداف و مقاصد اسلامی، در تضاد قرار دارند. می‌توان موانع درونی را که به مراتب تأثیر بیشتری نسبت به سایر موانع در وحدت اسلامی دارند را به شرح زیر برشمرد.

الف: جهل و ناآگاهی توده مردم

جهل همان‌گونه که علمای فقه اللغة گفته‌اند به معنای «ندانستن» است. (فراهیدی، 1410 ق، 3/390؛ ابن منظور، 1414 ق، 11/129) اما در معنای اصیلش متضاد و در مقابل علم نیست، بلکه مقابل حلم که بر معقولیت اخلاقی یک انسان با فرهنگ دلالت می‌کند قرار دارد (ایزوتسو، 1360، 34)

قرآن کریم برخی را که با آگاهی، اعمال شنیع و زشت مرتکب می‌شوند را جاهل قلمداد می‌کند: *قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ* قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (اعراف/138) گفتند: «ای موسی، همان‌گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما [نیز] خدایی قرار ده گفت: راستی شما گروهی هستی که نادانی مدعی‌کنید.» پس جهل معنایی وسیع‌تر از ندانستن دارد؛ معنایی عام و حقیقی که منشأ سقوط و عامل انحطاط و عقب‌ماندگی امت‌ها و جوامع می‌گردد و این معضلی است که امت اسلام در راه وحدت اسلامی با آن روبروست. (جوادی آملی، 1388، 389) در واقع جهل یک وضعیت پویا، یک حالت روحی و روانی خاص هست که در پی فرصتی است تا در هر زمان به صحنه‌ای ذهن آمده و فعالیت خود را شروع کند از این‌رو پیامبر (صلوات الله و سلامه علیه) آن را تهدید و خطری پایدار برای دین اسلام قلمداد کرده‌اند. (ایزوتسو، 1360، 34) زیرا «جهالت و نادانی برخی جاهلان زمینه‌ساز رسوخ منافقان و فرصت‌طلبان گشته است. با دقت در آیات قرآن کریم (طه/89، 90 و 96؛ اعراف/148)؛ به روشنی درمی‌یابیم که در برخی از مواقع، جهالت و نادانی برخی از افراد باعث شده تا آزادی و بیداری

ملت‌ها دستخوش توطنه و افکار مخرب و طغیان‌گر دشمن قرار گیرد» (حیدری و یداق پور 1390، 132-133)

امام صادق (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّاهَةَ خَمَّ عَرِيَادَهُ بِرَأْيَتَيْنِ مِنْ كَرْتَابِيهِ: أَنْ لَا يَقُولُوا حَتْمًا يَعْلَمُوا، وَلَا يَرُدُّوا مَا لَمْ يَعْلَمُوا»، (کلینی، 1429 ق، 1/105) خداوند با دو آیه از قرآن، دو درس مهم به این امت داده است، نخست اینکه جز آنچه مداندانند نگویند و دیگر اینکه آنچه را نمیدانند انکار نکنند، سپس دو آیه زیر را تلاوت فرمود: «لَمْ يُوْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عِلَّاهُ إِلَّا الْحَقَّ» (اعراف/169) «آیا خداوند پیمان کتاب آسمانی را از آن‌ها نگرفته است که جز حق در مورد خداوند نگویند» بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ (یونس/39) «مشرکان چیزهایی را انکار کردند که از آن آگاهی نداشتند».

ب: ملی‌گرایی، تعصب‌های مذهبی، قومی، نژادی و قبیله‌ای

تعلق و تعهد انسان به محیط و نزدیکان و وابستگی سببی و نسبی و در مقیاسی گسترده‌تر جغرافیای سرزمینی خویش امری پسندیده و قابل‌تحسین است چنانکه حدیث «حب الوطن من الایمان» (هاشمی خوئی، 1400 ق، 21/394) اشاره به این مطلب دارد اما اگر این حب و علاقه به افراط و تفریط کشیده و افراد به خاطر تعلق و وابستگی به ملت و سرزمین خاصی، همه‌ای اصول انسانی را زیر پا نهند و همواره قوم خود را بر حق بدانند، هرچند در بسیاری امور حق با دیگران باشد، در نتیجه چنین تفکری تفرقه و تیرگی بر دل‌ها حاکم می‌گردد. متأسفانه این امر در بین مسلمین در مقاطع مختلف تاریخ و در نقاط گوناگون از جهان اسلام، باعث نزاع‌ها و جنگ‌های خانمان‌سوزی شده است. از سوی دیگر سلطه‌گران استعمار و استبداد با دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی و اندیشه‌های ناسیونالیستی (ملی‌گرایی) و... به تقویت حاکمیت خود در کشورهای تحت سیطره‌ای خویش از طریق سیاسی و فرهنگی و... می‌پردازند. فرقه‌گرایی و نژادپرستی حربه‌ای است که از سوی دشمنان اسلام مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد تا از آن به‌عنوان عاملی برای تفرقه و پراکندگی مسلمانان بهره‌گیرند و به فتنه‌انگیزی و دسیسه‌چینی بپردازند.

قرآن کریم در این ارتباط می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات/13) «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بدان‌تردید، خداوند دانای آگاه است». از جابر بن عبدالمطلب انصاری نقل شده که: نوجوانی از مهاجران و نوجوانی از انصار به جان یکدیگر افتادند، مهاجر یا مهاجران فریاد زدند: ای مهاجران! کمک و نوجوان انصاری هم فریاد زد: ای انصار! کمک. رسول خدا

(صلي الله عليه و آله و سلم) بيرون آمد و فرمود: اين چه كاري است؟ ستيزه جويي مردمان جاهليت؟ گفتند: نه، اي رسول خدا! اين دو نوجوان به جان هم افتاده و يكي از آن‌ها ديگري را زده است.

پيامبر (ص) فرمودند: بسيار خوب، هر كس برادر ظالم يا مظلوم خويش را ياري رساند. اگر برادرش ظالم بود، او را آگاه سازد، اين براي او ياري به شمار مي‌آيد و اگر برادرش مظلوم بود او را ياري رساند. (قشيري نيشابوري، بي‌تا، 8/19) اين تعصبات كور كه آشكارترين جلوه‌هاي تفرقه و جدائي مي‌باشند در دوران معاصر در قالب «پان‌عربيسم» و «پان‌تركيسم» در جامعه اسلامي ظاهر شده‌اند، اين ايدئولوژي‌هاي ملي‌گرايانه و سياسي- فرهنگي خواهان وحدت فرهنگي، زباني و سياسي تمامي هم‌نژادان خويش‌اند. (رجاء، 1390، 177) اصل و مبدأ و ريشه اين نگرش (ناسيوناليستي) برگرفته از تفكرات غرب و استعمار است «استعمار براي اينكه اصل «تفرقه بينداز و حكومت كن» را اجرا كند، راهي از اين بهتر نديد كه اقوام و ملل اسلامي را متوجه قوميت و مليت و نژادشان بكد و آن‌ها را سرگرم افتخارات موهوم نمايد». (مطهري، 1366، 35) و اين‌چنين است كه آثار و تبعات سوء اين حركت متعصبانه جاهلي و نابخردانه وحدت امت اسلامي را نشانه گرفته و ابزاري براي توجيه عملكرد استعمار گشته است.

ج: فقدان رهبري صالح

پيامبران رهبران جامعه هستند و فقدان اين مسئله موجب تضعيف هر امت و ملتي است، نقش آفرينان آنان در مقياس پايين‌تر رهبران صالح‌اند. وجود رهبر صالح زمينه‌ساز اتحاد نيروها و انسجام و وحدت ملت و دولت است، بسياري از كشورهاي اسلامي اعم از آنان كه زير سلطه استعمار يا گرفتار استبداد داخلي بوده‌اند، از فقدان رهبري دلسوز و با درايت رنج‌برده‌اند و همين معضل، زمينه‌ساز حضور استعمارگران در اين كشورها شده است. در واقع، نبود چنين رهبري و يا ناتواني‌اش در ايفاي نقش خود، موجب از هم گسستگي زمام جامعه مي‌شود و نهضت‌هاي آزادي‌خواهي، در اندك زماني، به شكست منتهي مي‌گردد. (صالح، 1390، 155)

اين حاكمان طاغوتي و ناصالح همان‌گونه كه خود از معارف الهي بي‌بهره‌اند، امّا خويشتن را مدبّر و برنامه‌ريز و رهبر و راهبر مردم به سوي ترقي و رشد مي‌پندارند، مي‌كوشند تا ديگران را نيز در اين غفلت نگه‌دارند تا بدين وسيله به هدف خويش كه فرمان‌بري و اطاعت است دست يابند. (جوادي آملّي، 1368، 65) خداوند در اين باره مي‌فرمايد: وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَ فَلَآ تُبْصِرُونَ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَ لَا يَكَادُ يُبِينُ فَلَوْ لَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَّاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (زخرف/54-51)

و فرعون در میان قوم خود ندا درداد و گفت: «ای مردم کشور من، آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر کاخ‌های من روان است از آن من نیست؟ پس مگر نمی‌بینید؟ آیا [نه] من از این کس که خود بد مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم؟ پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده؟ یا با او فرشتگانی همراه نیامده‌اند؟ پس قوم خود را سبک مغز یافت و آنان را فریفت و اطاعتش کردند، چراکه آن‌ها مردمی منحرف بودند» «اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از فکر و اندیشه نگهدارند و با انواع وسایل آن‌ها را تحمیق کنند، آن‌ها را در يك حال بی‌خبری از واقعیت‌ها فروبرند و ارزش‌های دروغین را جان‌نشین ارزش‌های راستین کنند و دائماً آن‌ها را نسبتاً به واقعیت‌ها شستشوی مغزی دهند. چراکه بیدار شدن ملت‌ها و آگاهی و رشد فکری ملت‌ها بزرگ‌ترین دشمن حکومت‌های خودکامه و شیطانی است که با تمام قوا با آن مبارزه می‌کنند! این شیوه فرعون یعنی استخفاف عقول با شدت هر چه تمام‌تر در عصر و زمان ما بر همه جوامع فاسد حاکم است، اگر فرعون برای نیل به این هدف وسایل محدودی در اختیار داشت طاغوتیان امروز با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، فرستنده‌های رادیو تلویزیونی و انواع فیلم‌ها و حتی ورزش در شکل انحرافی و ابداع انواع مدهای مسخره، به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازند تا در بی‌خبری کامل فروروند و از آن‌ها اطاعت کنند» (مکارم شیرازی و همکاران، 1374، 21/88) و در موضعی دیگر از قرآن کریم آمده، بنی‌اسرائیل بر اثر فقدان رهبری کارساز، از سوی دشمنان تار و مار شدند در اینجا بود که بزرگان قوم از پیامبرشان درخواست کردند تا حاکمی برایشان انتخاب کند تا به وسیله او اختلافات داخلی خود را برطرف نموده و قوایشان را تمرکز دهند و در تحت فرمان آن حاکم، در راه خدا کارزار کنند (طباطبایی، 1374، 2/433) (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّنَا لَئِنْ لَمْ يَأْتِنَا بآيَةٍ نَكُونُ مِنَ الْخَالِقِينَ) (بقره/246) «آیا از [حال] سران بنی‌اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آنگاه که به پیامبری از خود گفتند: پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم» در واقع وجود رهبری صالح با تأکید بر مبانی، اصول و آرمان‌های مشترک در جوامع اسلامی از یک سو و اجتناب از طرح مباحث تفرقه برانگیز از طرف دیگر به انسجام وحدت و همدلی در جامعه اسلامی کمک می‌نماید.

د: حکومت‌ها و کارگزاران فاسد در میان امت اسلامی

طاغوت‌ها و زمامداران فاسد در هر جامعه‌ای همچون غده‌های چرکینی هستند که سم زهرآگینشان تمامی اعضای و پیکره‌ی یک جامعه را مسموم می‌کند و مانع پویایی استعدادها و توانمندی‌های اعضای آن جامعه می‌شود. (محمد قاسمی، 1389، 20) این حاکمان برای تحقق اهداف و آرزوهای نفسانی‌شان بدون در نظر گرفتن منافع عمومی در جهت ارضای نیات پلید شیطانی خویش با فدا کردن دیگران دست به هر حربه‌ی غیرانسانی می‌زنند. تاریخ گویای این مسئله است که این سیاستمداران به نام اسلام و در جهت کامیابی خود دست به هر جنایتی می‌زنند. قرآن کریم از زبان ملکه‌ی سبأ، ویژگی‌های این پادشاهان و

زمامداران جبار را چنین معرفی می‌کند:

قَالَتَ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعزَّةَ أَهْلِهَا
أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (نمل/34)

پادشاهان هنگامی که وارد منطقه‌ای آبادی می‌شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند (آری) کار آن‌ها همین‌گونه است. «در حقیقت ملکه‌ای سبأ که خود پادشاه بود، این طیف را به خوبی شناخته بود، بنابراین می‌توان برنامه آن‌ها را در دو چیز خلاصه کرد: «فساد و ویرانگری» و «ذلیل ساختن عزیزان» چرا که آن‌ها به منافع خود می‌اندیشند نه به منافع ملت‌ها و آبادی و سربلندی آن‌ها و همیشه این دو برضد یکدیگرند.» این سیره دائمی طاغوتیان است و خداوند با عبارت «كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» از آن یاد می‌کند. (مکارم شیرازی و همکاران، 1374، 15/455)

امام خمینی (قدس سره) نیز با تصریح بر این مطلب بیان فرموده‌اند: مشکل مسلمین، حکومت‌های آنان هست. این حکومت‌ها هستند که به واسطه‌ای روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان به ابرقدرت‌های چپ و راست، مشکلات را برای ما و همه‌ای مسلمین ایجاد کردند. اگر این مشکل از پیش پای مسلمین برداشته شود آنان به آمالشان خواهند رسید و راه حل آن به دست خود ملت‌هاست. (مصطفوی خمینی، 1379، 12/278)

ه: تکفیر یکدیگر

تکفیر و تفسیق‌های نابجا و ناروای مسلمانان، پدیده است که از تنگ‌نظری، بدبینی، مطلق‌اندیشی و جهل به معتقدات و مبانی اندیشه‌ای دیگران نشئت می‌گیرد و بیشترین زیان را متوجه جامعه و فرهنگ اسلامی کرده است. بسیاری از کشمکش‌های خونین فرقه‌ای، قتل و حبس‌اندیشمندان و نیز نابودی آثار ارزشمند فکری، ناشی از چنین روش و منشی بوده (آقا نوری، 1387، 286) و اکنون نیز دوباره نضج یافته و موجب عقیم شدن تلاش‌ها برای وحدت امت اسلامی گردیده است.

نخستین کسی که در اسلام، این ضربه بر او وارد شد، علی بن ابیطالب (ع) بود که پس از واقعه‌ای حکمیت در صفین از سوی خوارج تکفیر گردید که چرا به رأی حاکم‌ها گردن نهاده و بدین سبب اسلام برای قرن‌های متمادی دچار آسیب‌پذیری شدیدی شد که عوارض نامیمون آن جبران‌ناپذیر بود و هنوز هم در شکل و صورت‌های دیگری، گه گاه، در امت اسلامی ظاهر می‌شود. (پژوهنده، 1386، 124) به گونه‌ای که بنا بر فرموده امام باقر (ع): علی بن ابیطالب (ع) هیچ‌گاه خوارج را به کفر و شرک و نفاق متهم نکرد و سبب قتل آن‌ها نیز، خروجشان بر حاکمیت اسلامی بود و نه کفرشان؛ چرا که فرمود: «هم اخواننا بغوا علينا؛ آنان برادران ما هستند که بر ما شوریده‌اند». (حر عاملی، وسائل الشیعه، 1409، ق، 11/62) همچنین از

حضرت صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: «اذا قال المؤمن لآخيه: اف انقطع ما بينهما فاذا قال له انت كافر كفر احدهما و اذا اتهمه انما... هنگامی که مؤمن به برادرش بگوید: اف، از هم بریده می گردند و اگر بگوید که تو کافری، یکی از آنان کافر می گردد و چنانچه به او تهمت زده باشد، اسلام در قلبش آب می شود، همانند نمک در آب». (کلینی، 1429 ق، 3/440) در حال تکفیر بندگان به صلاحیت خداوند مربوط است و جزء وظیفه افراد بشر نیست چنانکه در آیات (حج/69)، (بقره/272)، (غاشیه/22)، (ق/45)، (یونس/99) به آن اشاره شده است.

و: دنیا پرستی و پیروی از هوا و هوس

غرایز و احساسات، مایه بقای زندگی انسان است و اگر از زندگی انسان حذف گردند، انسان نابود می شود، ولی در عین حال اگر تعدیل نشوند و حدود و مرز آن ها مشخص نگردد و انسان بازیچه غرایز مرز شناس خود شود. در آن صورت تمام سرمایه های وجودی خود را برای نیل به آن بسیج کرده، چیزی جز آن را نمی تواند مشاهده کند و این عشق هوس آلود پرده ضخیمی بر عقل و فکر او می افکند. دنیا طلبان و هوا پرستانی که هیچ عملی را جز در راستای رسیدن به مال و مقام انجام نمی دهند و در لحظات بحرانی و مشکلات اجتماعی به جای میدان دادن به افراد لایق، بر حفظ قدرت و موقعیت حزب و جناح خویش تأکید می کنند، بزرگ ترین سنگ اندازی را بر سر راه اتحاد مسلمانان انجام می دهند آنان به جای جنگ زدن به حیل و حقه به عنوان محور وحدت، به ریسمان شیطان که همان دنیا پرستی است متوسل شده و ایجاد تفرقه می کنند. (صالحی 1390، 159) دنیا طلبان و پیروان هوا و هوس مصداق این آیه مبارکه از قرآن کریم اند که می فرماید: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا فَلَمْ يُؤْا إِلَيْهَا وَ چون دادوستد- یعنی کاروان بازرگانی- یا سرگرمی را ببینند به سوی آن پراکنده می شوند».

علی بن ابیطالب (ع) نیز با اشاره به این خصیصه نکوهیده فرموده اند: منشأ اصلی تنازع و تفرق اجتماعی هواهای نفسانی است «إِنَّ زَمًّا أَمْزَمَ إِخْوَانٌ عَمَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْرُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ فَلَا تَوَازَرُونَ وَ لَا تَنَاصَحُونَ وَ لَا تَبْدَأُ دَلُونَ وَ لَا تَوَادُّونَ» (نهج البلاغه خطبه 113) شما در دین خداوند با هم برادرید، چیزی جز ناپاکی درون و زشتی باطن، میان شما جدایی نیفکنده و از این روست که یکدیگر را در کارها یاری نمی کنید و خیر یکدیگر را نمی خواهید و به یکدیگر چیزی نمی بخشید و با هم دوستی نمی ورزید. ابوالدرداء تابعی هم با تأکید بر پلیدی درون ناشی از جهل هوی و هوس می گوید: ای بندگان خدا! شما را چه شده است که یکدیگر را دوست نمی دارید، در حالی که شما برادر دینی یکدیگر هستید و جز پلیدی درون، میان خواسته های شما جدایی نیفکنده است و اگر بر یک چیز گرد آید، یکدیگر را دوست خواهید داشت و این (جدایی) جز از ایمان اندکی نیست که در دل دارید. (مناوی، بی تا، 2/31)

از ديگر موانع دروني وحدت امت اسلامي، بي‌اعتنايي به منابع ديني است. هرگاه مسلمانان از يکديگر دور شده و در مجالس و محافل خويش به‌جاي اينکه با هم‌کيشان خويش مراوده داشته باشند، به غير خود تکیه نموده و آن‌ها را جايگزين دوستان نمايند، وقتي معارف اصیل ديني در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها و ساير مراکز علمي - فرهنگي جايي نداشته باشد و در معرفي شخصيت‌هاي ديني کوتاهي شود در آن صورت حق و باطل با هم مشتبه شده و مردم افراد ناپاک و بي‌لياقت را الگو قرار مي‌دهند. (خسرو پناه، 1386، 33) خداوند حکيم در قرآن کریم مي‌فرمايد: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً (بقره/208) خطاب «الذين آمنوا» نشان مي‌دهد که منظور از «دخول در سلم» اتحاد و اتفاق و پياده کردن توحيد در جامعه است لفظ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مسلمانان را به وحدت اسلامي، دعوت و از تفرقه و اختلاف و تشتت آراء بر حذر مي‌دارد چراکه اختلاف همچون موريانه جامعه را از درون مي‌خورد و ناتوان مي‌سازد. (قرشي، 1377، 1/383) به گواهي تاريخ در فتح قلعه خيبر مسلمانان متحد به فرماندهي رسول خدا صلي الله عليه و آله به خيبر حمله برده و تعداد بي‌شماري از يهودي را مغلوب کردند (نصيري رضي، 1381، 123) ولي در عصر ما يك ميليارد مسلمان در اثر اختلاف گروه‌ها و بي‌اعتنايي زمامداران به‌ظاهر مسلمان در دست يک‌مشت يهودي، مورد تمسخر واقع شده‌اند.

ح: محافظه‌کاري و سستي برخي عالمان ديني

علماء و دانشمندان جامعه درصحنه‌هاي مختلف آن داراي جايگاه خاصي هستند. اين جايگاه باعث مي‌گردد تا آنان نفوذ دوچندان پيدا کنند و به‌عبارت‌ديگر بستري براي آنان فراهم مي‌گردد تا از امکانات و شرايط ويژه‌اي برخوردار شوند. اين بزرگان با توجه به اين شرايط به دو شيوه عمل مي‌کنند، گروهی از آنان تا آنجا پيش رفته که در اين راه جان خويش را تقديم نموده‌اند، اما برخي ديگر راه محافظه‌کاري را در پيش مي‌گيرند بدین شکل که برخي رهبران و صاحبان اندیشه و نفوذ راه انزوا و گوشه‌نشيني را انتخاب نموده و عملاً خود را از صحنه اجتماع و سياست دور مي‌نمايند و يا گاهي با اينکه در مجامع همبستگي اسلامي شرکت مي‌نمايند اما راه محافظه‌کاري را در پيش مي‌گيرند.

مجمع جهاني تقريبات مذاهب با هدف نزديک کردن و همدلي مذاهب اسلامي همواره در تلاش است تا وحدت امت اسلامي در عمل به بار نشيند و از سايه‌سار برکات اين وفاق و همدلي مسلمين بهره‌مند گردند. علت اصلي اين امر برخي از اصحاب تقريبات‌اند که باوجود شرکت در اين مجمع جهاني به صحبت کردن و شنيدن سخنراني‌ها اکتفا مي‌کنند و در کشورهاي خود هيچ فعاليت فکري و عملي‌اي در اين راستا نداشته و محافظه‌کاري مي‌کنند. اگر اعتقاد محکمي به تقريبات، به‌منظور تقويت وحدت اسلامي در جهان وجود داشته

باشد (ر.ک: محسنی، 1387، 111) بی‌شک خداوند متعال نیز توفیق بیشتری در این مسیر به مسلمانان مرحمت می‌فرماید: *إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ* (رعد/11) «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند». در واقع میان تمامی حالات انسان و اوضاع خارجی، یک نوع تلازم است، پس اگر مردمی دارای ایمان و اطاعت و شکر باشند خداوند هم نعمت‌های ظاهری و باطنی‌اش را به ایشان عطا می‌کند و اگر آن‌ها وضع خود را تغییر داده و به کفر و فسق پردازند خداوند هم نعمت خود را به نعمت مبدل کند و... (طباطبایی، 1374، 11/420) بنابراین هر قدر بزرگان و برجستگان مکتب اسلام دارای اندیشه‌ای پویا و روحی پاک و بی‌آلایش و علمی سازنده باشند مطمئناً در دین رکود و نخوت رسوخ نمی‌نماید و راه برای نفوذ وحدت‌شکنان ملل مسلمان باز نمی‌گردد.

موانع بیرونی وحدت امت اسلامی

موانع بیرونی در این زمینه که از جانب جبهه‌ی استکبار و استعمار بر پیکره‌ی جامعه اسلامی وارد می‌شود اقتدار جامعه بزرگ مسلمانان را در سطح جامعه جهانی کمرنگ کرده است. هر چند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خیزش‌های بیداری در برخی کشورهای اسلامی به تبعیت از نظام اسلامی ایران در این بین نویدبخش آینده‌ی‌ای درخشان است، اما تا رسیدن به نقطه آرمانی این امت راهی طولانی در پیش دارند.

الف: نامشخص گذاشتن مرزهای جغرافیایی

اختلافات سیاسی و سرزمینی اغلب به منش اقتدارگرایی حاکمان کشورهای اسلامی بستگی داشته و دارد؛ کشمکش‌های حاکمان سرزمین‌های اسلامی با یکدیگر که به جهت توسعه‌ی دامنه قدرت، اما در ظاهر، شاید، به بهانه‌ی دینی و مذهبی رخ می‌دهد کمترین اثر سوئی که در داخل امت اسلامی دارد، تضعیف و مستهلک شدن قدرت دو طرف و از میان رفتن شوکت و اقتدار کل امت اسلامی خواهد بود. (پژوهنده، 1386، 127) در طول حیات استعمار پیر (انگلیس) و به‌ویژه در طی دوران معاصر این کشور در پی تسلط و تفوق بر سرزمین‌های دیگر و تأمین منافع استعماری خویش با نامشخص گذاشتن مرز میان کشورهای مختلف از جمله کشورهای اسلامی آتش دشمنی بین این ملت‌ها را روشن نمود. مناقشات امارات متحده عربی با ایران بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) که امارات هر از چند گاهی ادعای مالکیت آن را می‌کند و وقوع جنگ تحمیلی (هشت‌ساله) عراق علیه ایران نمونه‌هایی از این ترفندهاست. طبق نقشه اخیر صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق که پس از سقوط حکومت پهلوی در ایران علاقه وافری به ژاندارمی آمریکا در منطقه از خود نشان می‌داد، برای تحقق این رؤیای شیرین در پی تحریکات و تحرکات سیاسی آمریکایی‌ها با طراحی سه هدف عمده: حاکمیت بر اروندرود و حل‌وفصل دعاوی مرزی، جداسازی استان خوزستان از ایران و تضعیف منجر به سقوط نظام اسلامی که از تبعات اهداف اول و دوم شمرده می‌شد و

هدف اصلی غرب از درگیر کردن دو کشور را تشکیل می‌داد وارد تهاجمی هشت ساله با ایران شد. (کرامتی، 1383، 53؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، 1372، 20) در پی این تهاجم بسیاری از زیرساخت‌های ایران تخریب و در نتیجه حکومت اسلامی ایران به جای این‌که آثار عقب‌ماندگی‌های گذشته را ترمیم و بازسازی نماید به ناچار در عرصه مقاومت و پایداری در برابر این حملات گام نهاد و توانست در نهایت این تجاوز را به سود خویش به پایان رساند.

ب: جنگ نرم

جهان اسلام به دلیل ویژگی‌های ایدئولوژیکی (صبغه سیاسی مذهبی) و ژئوپلیتیکی (شرایط خاص جغرافیایی) و برخی منابع حیاتی و دارا بودن برخی مناطق استراتژیک (خاورمیانه) در صورت همبستگی و تفاهم می‌تواند به قدرتی بزرگ و تأثیرگذار در معادلات بین‌المللی تبدیل شود. به همین دلیل مخالفان اسلام به خصوص جهان غرب یکی از راه‌های کلیدی جهت تأمین منافع خود را تضعیف جهان اسلام از طریق ایجاد اختلاف میان کشورها و مذاهب اسلامی می‌دانند. (ر.ک: پاک آیین، 1389، 265) در تاریخ غارتگری و استثمار ملت‌های مسلمان استعمارگران با ترفندهای مختلف در مقاطع گوناگون به ستیز با اسلام پرداخته‌اند. این چپاولگران ابتدا با راه‌اندازی جنگ نظامی (سخت) به طور مستقیم وارد بیکار با مسلمانان شدند اما با شکست این حربه آنان با هدف قرار دادن ارزش‌ها و مبانی اسلامی به شیخون فرهنگی روی آوردند. چنانکه غرب در جنگ نرم نیز با بکارگیری فنون عملیات روانی سیاست‌های تفرقه‌افکنانه خود را همچنان پیش می‌برد بدین منظور در سال‌های اخیر دو تن از محافظه‌کاران آمریکا «توماس فریدمن» (Freidman Tomas) و «چایکن» (Chaiken) پس از انجام پروژه‌ای تحقیقاتی به دولتمردان آمریکایی، به ویژه اوباما پیشنهاد کردند در سخنرانی‌ها از مفهوم «جهان اسلام» اجتناب کرده و به جای آن از مفهوم «مسلمانان» استفاده کند. در واقع هدف اصلی جنگ نرم تأثیرگذاری بر افکار عمومی و به خصوص نخبگان هست. امروزه جنگ اینترنتی، ایجاد شبکه‌های رادیو تلویزیونی و پخش شایعات اشکال مهم جنگ نرم هستند. در عرصه مقابله با وحدت اسلامی نیز، جنگ نرم درصدد تضعیف اندیشه و تفکر تقریبی در بین علما و شخصیت‌های تأثیرگذار جهان اسلام است و در این زمینه بودجه‌های هنگفتی را سرمایه‌گذاری می‌کند. (ر.ک: پاک آیین، 1389، 266)

ج: نفوذ منافقان در صفوف مسلمین

نفاق و دورویی پدیده شوم و خطرناکی است که در هر عصر و زمانی وجود داشته است و می‌تواند وحدت و همبستگی هر جامعه‌ای را از درون مورد تهدید قرار دهد. خداوند در جای‌جای سوره‌های مدنی، مؤمنان را از نقش خطرآفرین منافقان و فتنه‌گری آنان در اجتماع مسلمانان بر حذر می‌دارد؛ چنانکه

در سوره‌ی مبارکه منافقون، منافق را کسی می‌داند که با تظاهر به ایمان و پناه گرفتن در پوششی فریبنده و مقدس سعی می‌کند به صورت آرام و نامحسوس، توطئه مخربی را ضد مذهب و صفوف یکپارچه اهل ایمان به وجود آورد. (یدا، پور و حیدری، 1390، 134) همچنین خداوند در این سوره‌ی مبارکه با افشای نقش منافق در جامعه، مسلمانان را نسبت به آراستگی ظاهر، چرب‌زبانی و زیبا سخن گفتن اهل نفاق در جذب عامه مردم هشدار می‌دهد: «وَ إِذَا رَأَىٰ يَتَتَّبِعُهُمُ تَوعُّدًا جَدِيدًا أَلَمْ يَكُن لَّهُمْ لِقَاءُ يَوْمَ يَرَوُوهَا يَكُونُونَ فِيهَا مُنَادًا يَخْتَلِفُ فِيهَا كَلِمًا بَعْضٌ لِّبَعْضٍ فَسَاهَوْنَ فَأَنذَرْتَهُمْ فَأَدْبَرُوا خِذَابًا فَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ أُخَذُوا بِذُنُوبِهِمْ أَنَّهُمْ لَن يُغْفَرُونَ» (منافقون/4) «و چون آنان را ببینی، هیکل‌هایشان تو را به تعجب و امداد دارد و چون سخن‌گویند به گفتارشان گوش فرا می‌دهی گویی آنان شمعک‌هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند]: هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند. خودشان دشمن‌اند از آنان بپرهیز خدا بکشدشان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند».

در تاریخ صدر اسلام جبهه نفاق در غزه‌ی احد با رسوخ در دل‌های افراد دهان‌بین که پیوسته گوش به سخنان منافقان و کافران می‌دهند، باعث شکست مسلمین و زخمی شدن وجود مبارک حضرت محمد (ص) شدند. درحالی‌که پیامبر (ص) طبق طراحی جنگی خویش با توجه به موقعیت جغرافیایی کوه احد به دسته‌ی تیراندازان به رهبری عبداً بن جبیر فرمود: روی تپه مستقر شوید و نگذارید دشمن با دور زدن این کوه از پشت سر وارد میدان شود و ما را غافلگیر سازد شما هرگز اینجا را ترک نکنید خواه ما در نبرد پیروز شویم یا مغلوب گردیم؛ اما با نفوذ و اغوای منافقان در میان نگهبانان تپه، سربازان اسلام آن محل را تخلیه کرده و راه را برای افراد دشمن باز گذاردند. (رک: ابن اثیر، 1371، 3 / 988)

این گروه به ظاهر صلح‌طلب و آزادی‌خواه از هر فرصتی در جهت خدشه‌دار شدن وحدت و انسجام اسلامی استفاده می‌کنند. در ایران اسلامی این گروه‌های تروریستی تحت عنوان «مجاهدین خلق»، فرقان و... فجایع عظیمی را به بار آورده و لطمات جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب نو پای اسلامی زدند اما آوارگی و در یوزگی آنان در اروپا و آمریکا حاکی از نقشه بر آب شدن اهداف پلیدشان است.

د: فرقه سازی و حمایت از فرقه‌های انحرافی

از دیگر شیوه‌های تفرقه‌افکنی استکبار در میان امت اسلامی، ایجاد فرقه‌ها و مذاهب و نیز حمایت از فرق انحرافی و تندرو بوده است. در عصر معاصر استعمارگران شرق و غرب در پی نفوذ معارف و رسوخ فرهنگ غنی اسلام در بین توده‌های مسلمین و تأثیرپذیری سایر ملت‌ها از آنان در طراحی نقشه‌ی شیطان‌ی به شکار طعمه‌های خویش در مراکز دینی و حوزه‌های مطرح در این بلاد پرداختند. شکل‌گیری فرق ضاله از جمله مولود این اندیشه‌ی ناپاک و خبیث است. (رک: حسینی، 1388، 168) به عنوان نمونه فرقه نوپای

وهابیت که به دستور مستقیم وزارت انگلستان ایجاد شده است در مدت کوتاهی به واسطه حمایت‌های بی‌دریغ این دولت توانست اندیشه‌های خود را در راستای سیاست‌های استعماری بریتانیا و ایالات متحده‌ای آمریکا در ایجاد تشنت و تفرقه در دنیای اسلام و بهره‌برداری از ذخایر مادی و معنوی آنان محقق سازند. وضعیت کنونی عراق، افغانستان، پاکستان و... بهترین گواه این سخن است. (ر.ک: کرمانی، 1389، 430-434)

تقویت و ایجاد گروهک‌های تروریستی از دیگر اقدامات دشمن در این عرصه است که نمونه آن‌ها گروهک تروریستی داعش هست که با ادعای تشکیل دولت اسلامی عراق و شام مدتی است با حمایت مادی و معنوی غرب در مناطق اسلامی سوریه، عراق و... طبق سناریوی از پیش تعیین‌شده با هدف ضربه زدن به وحدت و انسجام اسلامی دست به جنایات هولناکی در این مناطق زده است که در جای خود قابل‌بحث و بررسی و ریشه‌یابی است.

نتیجه‌گیری

موانعی از درون و بیرون وحدت امت را تهدید می‌کند شناخت این موانع راهی در جهت بازیابی وحدت امت اسلامی و تحکیم مبانی آن است. با نگاهی به تاریخ اسلام و حیات جمعی مسلمانان، می‌توان گفت که از گذشته‌های دور تا عصر حاضر همواره کسانی بوده‌اند که با انگیزه‌های نکوهیده و نامقدس و یا به‌ظاهر ستوده و مقدس، در مسیر وحدت اسلامی سنگ‌اندازی کرده و مانع به ثمر رسیدن آن شده‌اند. عواملی چون فقدان رهبری صالح، دنیاپرستی و پیروی از هوا و هوس، ملی‌گرایی تعصب‌های مذهبی- قومی- نژادی و قبیله‌ای، تکفیر یکدیگر، افراط و تفریط مسلمین، محافظه‌کاری عالمان دینی، جهل و ناآگاهی توده مردم، حکومت‌ها و کارگزاران فاسد، بی‌اعتنایی به منابع دینی جزء مهم‌ترین عوامل درونی هستند که اتحاد امت اسلامی را تهدید می‌کنند و مواردی نظیر نامشخص گذاشتن مرزهای جغرافیایی، فرقه‌سازی و حمایت از فرقه‌های انحرافی، جنگ نرم، نفوذ منافقان در صفوف مسلمین از بیرون مانع وحدت امت اسلامی می‌شوند.

1. قرآن کریم (ترجمه‌ی محمدمهدی فولادوند)
2. نهج‌البلاغه (ترجمه محمد دشتی)
3. آشوری، داریوش (1389) دانشنامه سیاسی «فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی» (نوزدهم)، تهران: مروارید.
4. آقا نوری، علی (1387) امامان شیعه و وحدت اسلامی (اول): قم، انتشارات ادیان و مذاهب.
5. آمدی، عبدالوحد، (1366) غررالحکم و دررالکلم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم.
6. ابن اثیر، عزالدین (1371) تاریخ کامل، ترجمه‌ی محمدحسین روحانی (اول)، تهران: انتشارات اساطیر.
7. ابن منظور، محمد بن مکرم (1414 ق) لسان العرب (سوم)، بیروت: دار صادر.
8. ابن فارس، احمد بن زکریا (1387) ترتیب معجم مقاییس اللغة (اول) قم: مرکز دراسات الحوزه و الجامعة.
9. ایزوتسو، توشیهیکو (1360) ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن (اول)، بی‌جا: انتشارات قلم.
10. پاک آیین، محسن، جنگ نرم، امت اسلامی از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی مجموعه مقالات «فن مقابله با تقریب مذاهب اسلامی»، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اول: 1389، 265
11. پژوهنده، محمدحسین (1386)، «آسیب‌شناسی وحدت اسلامی»، نشریه علوم اجتماعی (مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی)،

12. جوادي آملی، عبداﻟﻌﺒﺎﺱ (1368) ﻭﻻﻳﺖ ﻓﻘﯿﻪ ﺭﻫﺒﺮﯨﻲ ﺩﺭ ﺍﺳﻼﻡ (ﺩﻭﻡ)، ﻗﻢ: ﻣﺮﻛﺰ ﻧﺸﺮ ﻓﺮﻫﻨﮕﯽ ﺭﺟﺎﺀ.
13. _____ (1388) ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺩﺭ ﻗﺮآن (ﺩﻭﻡ)، ﻗﻢ: ﻣﺮﻛﺰ ﻧﺸﺮ ﺍﺳﺮﺀﺎﺀ.
14. _____ (1386) ﻭﺣﺪﺕ ﺟﻮﺍﻣﻊ ﺩﺭ ﻧﻬﺞ ﺍﻟﺒﻼﻏﻪ (ﺩﻭﻡ)، ﻗﻢ: ﻣﺮﻛﺰ ﻧﺸﺮ ﺍﺳﺮﺀﺎﺀ.
15. ﺣﺮ ﻋﺎﻣﻠﯽ، ﻣﺤﻤﺪ ﺑﻦ ﺣﺴﻦ (1409 ﻗ) ﺗﻔﺼﯿﻞ ﻭﺳﺎﺋﻞ ﺍﻟﺸﯿﻌﻪ ﺍﻟﯽ ﺗﺤﺼﯿﻞ ﻣﺴﺎﺋﻞ ﺍﻟﺸﺮﯨﻌﻪ (ﺍﻭﻝ)، ﻗﻢ: ﻣﻮﺳﻪ ﺁﻝ ﺍﻟﺒﯿﺖ ﻋﻠﯿﻬﻢ ﺍﻟﺴﻼﻡ ﻻﺣﯿﺎﺀ ﺍﻟﺘﺮﺍﺙ.
16. ﺣﺴﯿﻨﯽ، ﻣﺤﻤﺪ ﺭﺳﻮﻝ (1388) ﻭﺣﺪﺕ ﺍﺳﻼﻣﯽ «ﻣﯿﺎﻧﯽ، ﻋﺮﺻﻪ ﺍﻫﺎ، ﻣﻮﺍﻧﻊ ﻭ ﺭﺍﻫﻜﺎﺭﻫﺎ» (ﺍﻭﻝ)، ﻗﻢ: ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺍﻟﻤﺼﻄﻔﯽ (ﻋ) ﺍﻟﻌﺎﻟﻤﯿﻪ.
17. ﺧﺴﺮﻭ ﭘﻨﺎﻩ، ﻋﺒﺪﺍﻟﺤﺴﯿﻦ (1386) ﺁﺳﯿﺐ ﺍﺷﻨﺎﺳﯽ ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺩﯨﻨﯽ (ﺳﻮﻡ): ﺗﻬﺮﺍﻥ: ﺩﻓﺘﺮ ﻧﺸﺮ ﻣﻌﺎﺭﻑ.
18. ﺭﺟﺎﺀ، ﻋﻠﯽ ﺍﺻﻐﺮ (1390) ﺗﺠﺰﯨﻪ ﺟﻬﺎﻥ ﺍﺳﻼﻡ: ﭼﺮﺍﻳﯽ ﻭ ﭘﯿﺎﻣﺪﻫﺎ (ﺍﻭﻝ) ﻗﻢ: ﻣﺮﻛﺰ ﺑﯿﻦ ﺍﻟﻤﻠﻠﯽ ﺗﺮﺟﻤﻪ ﻭ ﻧﺸﺮ ﺍﻟﻤﺼﻄﻔﯽ (ﻋ).
19. ﺻﺎﻟﺤﯽ، ﭘﯿﻤﺎﻥ، (1390) ﺭﺍﻫﻜﺎﺭﻫﺎﻱ ﻣﻘﺎﺑﻠﻪ ﺑﺎ ﻧﻔﻮﺯ ﺑﯿﮕﺎﻧﮕﺎﻥ ﺩﺭ ﻧﻬﺰﺕ ﺍﻫﺎﻱ ﺑﯿﺪﺍﺭﯨﻲ ﺍﺳﻼﻣﯽ ﺍﺯ ﻣﻨﻈﺮ ﻗﺮآن: ﭘﺰﻭﻫﺸﻨﺎﻣﻪ ﻣﻌﺎﺭﻑ ﻗﺮآن ﻛﺮﯨﻢ: ﭼﻪﺎﺭﻡ، ﺷ 13، 1390، 155.
20. ﻃﺒﺎﻃﺒﺎﻳﯽ، ﻣﺤﻤﺪ ﺣﺴﯿﻦ (1374) ﺗﻔﺴﯿﺮ ﺍﻟﻤﯿﺰﺍﻥ (ﺗﺮﺟﻤﻪ ﺍﻱ ﻣﺤﻤﺪﺑﺎ ﻗﺮ ﻣﻮﺳﻮﻱ ﻫﻤﺪﺍﻧﯽ)، (ﺍﻭﻝ): ﻗﻢ، ﺟﺎﻣﻌﻪ ﻣﺪﺭﺳﯿﻦ ﺣﻮﺯﻩ ﻋﻠﻤﯿﻪ.
21. ﻃﺮﯨﺤﯽ، ﻓﺨﺮﺍﻟﺪﯨﻦ (1375) ﻣﺠﻤﻊ ﺍﻟﺒﺤﺮﯨﻦ (ﺳﻮﻡ) ﺗﻬﺮﺍﻥ: ﻛﺘﺎﺑﻔﺮﻭﺷﯽ ﻣﺮﺗﺰﻭﻱ.
22. ﻃﯿﺐ، ﻋﺒﺪﺍﻟﺤﺴﯿﻦ (1378) ﺍﻃﯿﺐ ﺍﻟﺒﯿﺎﻥ ﻓﯽ ﺗﻔﺴﯿﺮ ﺍﻟﻘﺮآن (ﺩﻭﻡ) ﺗﻬﺮﺍﻥ: ﺍﻧﺘﺸﺎﺭﺍﺕ ﺍﺳﻼﻡ.
23. ﻓﯿﺮﻭﺯ ﺁﺑﺎﺩﯨﻲ، ﻣﺤﻤﺪ ﺑﻦ ﻳﻌﻘﻮﺏ (1430 ﻗ) ﻗﺎﻣﻮﺱ ﺍﻟﻤﺤﯿﻂ (ﺍﻭﻝ) ﺑﯿﺮﻭﺕ: ﺍﻟﻤﻜﺘﺒﻪ ﺍﻟﻌﺴﺮﯨﻴﻪ.
24. ﻗﺸﯿﺮﯨﻲ ﻧﯿﺸﺎﺑﻮﺭﯨﻲ: ﻣﺴﻠﻢ ﺑﻦ ﺣﺠﺎﺝ (ﺑﯽ ﺗﺎ) ﺻﺤﯿﺢ ﻣﺴﻠﻢ، ﺑﯿﺮﻭﺕ: ﺩﺍﺭﺍﻟﻔﻜﺮ.
25. ﻗﺮﺷﯽ، ﻋﻠﯽ ﺍﻛﺒﺮ (1377) ﺗﻔﺴﯿﺮ ﺁﺣﺴﻦ ﺍﻟﺤﺪﯨﺚ (ﺳﻮﻡ) ﺗﻬﺮﺍﻥ: ﺑﻨﯿﺎﺩ ﺑﻌﺜﺖ.

26. کرامتی، محمدتقی (1383) وسوسه شیطان بزرگ: جریان شناسی فعالان رابطه با آمریکا از دولت موقت تا دولت اصلاحات (اول)، قم: همای غدیر.
27. روزشمار جنگ ایران و عراق (کتاب چهارم: هجوم سراسری)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
28. کرمانی، طوبی، مجموعه مقالات امت اسلامی از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی: «عوامل گرایش به فرقه‌گرایی»، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی- معاونت فرهنگی، اول: 1389، 430-434
29. کلینی، محمد بن یعقوب (1429 ق) الکافی (اول)، قم: دار الحدیث.
30. لوبون، گوستاو (1378) تاریخ تمدن اسلام و غرب، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی (اول)، تهران: دنیای کتاب.
31. محسنی، محمد آصف (1387) تقریب مذاهب از نظر تا عمل (دوم)، قم: نشر ادیان.
32. محمدقاسمی، حمید (1389)، اصلاح و افساد در داستان‌های قرآن (اول) تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
33. مطهری، مرتضی (1366) خدمات متقابل اسلام و ایران (چهاردهم) تهران: انتشارات صدرا.
34. معز الدین، محمد سعید، آوای وحدت: «ناسیونالیسم و همبستگی اسلامی»، بی‌جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اول: 1374، 294-295
35. معین، محمد (1375) فرهنگ فارسی (نهم) تهران: انتشارات امیرکبیر.
36. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (1374)، تفسیر نمونه (اول) تهران: دارالکتب اسلامی.
37. موسوی خمینی، روح‌الله (1379)، صحیفه نور (سوم) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)
38. مناوی، محمد عبدالرؤوف (بی‌تا)، فیض القدیر، بیروت: دارالکتب العلمیة.

39. نصيري رضي، محمد (1381) تاريخ تحليلي اسلام (هفتم)، قم؛ انتشارات معارف.

40. هاشمي خوئي، حبيب‌الله (1400 ق) ترجمه‌ي منهاج البراعة في شرح نهج‌البلاغه (حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر كمره‌اي) تهران؛ مكتبة الاسلاميه.

41. يداي پور، بهروز و صادق حيدري (1390)، راههاي نفوذ بيگانگان در نهضت‌هاي بيداري اسلامي از ديدگاه قرآن كريم؛ پژوهشنامه معارف قرآن كريم؛ سال چهارم، ش 13، 1390، 134.

[1]. دانشجوي دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، ahadda.com@gmail@vari؛

[2]. دانشجوي کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی مراغه، shafiei88shiraz@gmail.com،

[3]. دانشجوي کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی مراغه، hakimeyari93@yahoo.com،